اسناد فوتبال ملی(۸)

بازگشت صدقیانی و افتتاح راه‌آهن و بانک‌ملی

■ در سال ۱۳۱۶ یک اتفاق مهم در فوتبال ما رخ داد. حسین صدقیانی که سال‌ها به اروپا عزیمت کرده بود به وطن برگشت و به خاطر آشنایی با رموز فوتبال بلافاصله مسوولیت اداره و آموزش فوتبال در ایران به او محول شد. صدقیانی، پسر حاج‌رسول آقا از بازرگانان معروف آذربایجان بود. در دوران مشروطیت با خانواده خود به کشور ترکیه مهاجرت کرده و در شهر استانبول سکنی گزید. صدقیانی که کودکی خردسال بود در آنجا مشغول به تحصیل شده و عضو دسته خردسالان فنرباغچه شد. سه سال در این تیم بازی کرد، سپس به تیم «دوم راپید وین» از تیم‌های معروف اتریش رفت. در سال ۱۳۰۴، زمانی‌که ۲۱ساله شده بود به ایران برگشت به مشهد رفت و عضو کلوب فردوسی مشهد شد. همان زمان تیم منتخب تهران قصد عزیمت به بادکوبه را داشت که صدقیانی بلافاصله عضو این تیم شد و به بادکوبه رفت. در سال ۱۳۰۶ بار دیگر به اروپا رفت، این بار بلژیک را برگزید و به تیم «رویال – شارلروا» اسپورتینگ کلوب رفت و مشغول بازی در پست سنترفوروارد شد. می‌گویند در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۲، سه بار بهترین گلزن باشگاه‌های بلژیک بوده که متاسفانه برای اثبات این امر هیچ سند تاریخی‌ای نداریم، به هر حال فینال مسابقات سال ۱۹۳۲ بلژیک در حضور ۶۰هزار تماشاگر و پادشاه بلژیک یعنی آلبرت اول برگزار شد که باز گفته می‌شود با زدن سه گل، صدقیانی ستاره دیدار بود. او در سال ۱۳۱۶ زمانی‌که ۳۳ساله بود به ایران برگشت و عضو تیم توفان و سپس مسوول آموزش و اداره فوتبال و مربی تیم‌های منتخب ایرانی شد.

■■■

از صدقیانی بگذریم، در سال ۱۳۱۶ دو باشگاه معروف ورزشی در ایران افتتاح شدند، یکی بانک‌ملی وابسته به بانک‌ملی ایران زیرنظر محمد چوبینه و دومی تیم راه‌آهن وابسته به راه‌آهن دولتی ایران. این دو باشگاه زمین اختصاصی می‌ساختند.

■■■

سال ۱۳۱۶، سال آغاز ساختمان زمین امجدیه شماره دو هم هست. در این سال امجدیه دو کلنگ خورد. قبلا امجدیه یک شروع به ساخت کرده بود اما رفته‌رفته رفع نواقص در دستور کار قرار گرفت، به این ترتیب زمین شماره دو فوتبال، زمین تنیس و استخر شنا به مجموعه اضافه شد و ساخت آن زیرنظر انجمن تربیت‌بدنی آغاز شد. وزارت معارف در سال ۱۳۱۶ یک کار شایسته کرد، آن هم گنجاندن درس تربیت‌بدنی در موارد امتحانی دوره ابتدایی بود که در صورت اجرای دقیق می‌توانست ورزش را به صورت بنیادی در ایران گسترش دهد.

بزرگان ورزش ایران

او فرگوسن کشتی بود

منصور برزگر

■ منصور برزگر بیشتر از آنکه در عالم کشتی معروف شود در دوران مربیگری مشهور شده و یکی از بهترین و مطرح‌ترین مربیان کشتی ایران بود. برزگر بلافاصله بعد از پایان دوران قهرمانی، شم بالای مربیگری خود را به رخ کشید. ابتدا در باشگاه ایزدفردوسی و سپس در سازمان آب مشغول به کار شد و به تناوب طی ۳۳ سال، از سال ۵۷ تا امروز سرمربی یا مدیر تیم‌ملی بوده است. برزگر دو پسر و یک دختر دارد. ساکن ولنجک است و فعالیت اقتصادی او هم ساختمان‌سازی است.

شناخت‌نامه

متولد ۹اسفند ۱۳۲۶ در خیابان عباسی تهران بود. اولین باشگاهش ایزدفردوسی، اولین مربی‌اش منصور تبریزی و بزرگ‌ترین افتخارش چهاربار رسیدن به فینال مسابقات جهانی است. او در المپیک ۱۹۷۶ مونترال هم یک‌بار در آستانه کسب طلا ایستاد که متاسفانه ناباورانه به ژاپن باخت. ثمره هشت دوره حضورش در مسابقات جهانی و المپیک کسب یک مدال طلا و سه مدال نقره بود. او در سال ۱۹۷۲ برای اولین بار در مسابقات شرکت کرد. اگر به آدولف زیگر نمی‌باخت، مدال می‌گرفت. در سال ۱۹۷۳ و در تهران، سزاوارانه برابر تمام حریفان خود برنده شد و مدال طلا گرفت. سال ۱۹۷۴، تیم اول ایران در بازی‌های آسیایی شرکت کرد و برزگر که می‌توانست صاحب یک مدال شایسته شود، به طلای آسیایی تهران اکتفا کرد. سال ۱۹۷۵ در مینسک مدال نقره گرفت. این مدال را سال بعد در المپیک ۱۹۷۶ مونترال تکرار کرد. در وزن ۷۴کیلوگرم المپیک مونترال ۲۱ نفر شرکت کرده بودند. برزگر در مونترال و در یک فینال زودرس، به روسلان آشور علی‌اف، روس باخت اما ایران اعتراض کرد و رأی به نفع برزگر برگشت. برزگر با روحیه‌ای خوب در دور دوم پاولف بلغار را برد، در دور سوم حریف ایتالیایی و در دور چهارم حریف فنلاندی را برد. فرد همپل در دوره پنجم مغلوب او شد. برزگر در دوره ششم استانلی دز یدزیک آمریکایی را برد اما در فینال ناباورانه برابر جی شیروداته ژاپنی مغلوب شد و متاسفانه مدال نقره گرفت. برزگر در مسابقات جهانی ۱۹۷۷ لوزان یک بار دیگر مدال نقره گرفت.

موخره

جای محمد فرهنگ‌دوست را در تیم‌ملی گرفت. از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۷ عضو تیم‌ملی کشتی بود. محمدحسین محبی جای او به تیم‌ملی آمد. جمله ماندگارش فراموش شدنی نیست که: «کسی که تا به حال ندیده بود، یک رییس فدراسیون خواهان زمین خوردن تیمش باشد!» (بعد از پایان المپیک آتن)

دسته ۴ را به علیدوستی و رضا احدی ترجیح داد

سیستم «روکم‌کنی» دهداری در تیم‌ملی

مهدی حدادپور

بازهم سراغ پرونده سال ۱۳۶۵ می‌رویم. سالی که تیم ملی فوتبال ۱۴ بازیکن خود را به علت استعفا در بازی‌های آسیایی ۱۹۸۶ سئول از دست داد. در سال ۱۹۸۶، پرویز دهداری، هدایت تیم‌ملی را برعهده داشت. از ۲۰ بازیکن تیم‌ملی، ۱۴ بازیکن باتجربه و بزرگ به علت اختلاف با دهداری و دستیارانش از حضور در تیم ملی استعفا دادند. ستارگان فکر می‌کردند مسوولان فدراسیون فوتبال از آنها حمایت کرده و کادر فنی تیم ملی فوتبال را کنار می‌گذارند و مربیان جدیدی به جای آنها منصوب می‌کنند. اما این اتفاق هیچ‌گاه رخ نداد و مسوولان فدراسیون، مربیان تیم‌ملی را ابقا کردند.

■■■

احمد سجادی، محمد پنجعلی، اصغر حاجیلو، مرتضی فنونی‌زاده، شاهین بیانی، شاهرخ بیانی، حمید درخشان، مرتضی یکه، فرشاد پیوس، عبدالعلی چنگیز، ناصر محمدخانی، سیدمهدی ابطحی، ضیاء عربشاهی و غلامرضا فتح‌آبادی از بازیکنان مستعفی بودند. آنها از تیم‌ملی فوتبال کنار رفتند و مربیان تیم‌ملی در مقام خود ابقا شدند. البته چند ماه بعد علیمحمد مرتضوی، رییس وقت فدراسیون فوتبال، دهداری را از کار برکنار کرد اما رییس سازمان که می‌دید مرتضوی مطابق خواست او عمل نکرده، او را از کارش برکنار کرده و محمدرضا پهلوان را به عنوان رییس فدراسیون به جای او منصوب کردند.

■■■

به‌هرحال، در مسابقات مقدماتی المپیک ۱۹۸۸ سئول، تیم‌ملی باید با ترکیب جدید خود به میدان می‌رفت. همه انتظار داشتند دهداری و دستیارانش یعنی بهمن صالح‌نیا، مهدی مناجاتی، رضا وطنخواه و نایب رویین‌دل از ستارگان بیرون گودمانده تیم‌ملی بهره ببرند. برای دهداری فقط شش نفر باقی مانده بود. مجید رضایی درون دروازه، سیامک رحیم‌پور و حسین مسگر ساروی در خط دفاع، مجید نامجومطلق و سیروس قایقران در خط هافبک و کریم باوی در خط حمله، در شرایط سال ۶۵ که فوتبال ایران بسیار پرستاره بود بازی می‌کردند و همه انتظار داشتند دهداری برای روکم‌کنی از سایر ستارگان فوتبال ایران در گوشه‌گوشه و جای‌جای کشورمان برای تیم‌ملی بهره ببرد. در آن زمان فوتبال ما به جز آن ۱۴ ستاره مستعفی و آن شش بازیکن باقیمانده ستارگان زیر را داشت؛ ستارگانی که حداکثر ۳۱ساله بودند:

دروازه‌بان: بهروز سلطانی، احمدرضا عابدزاده

دفاع: محمدرضا شکورزاده، نادر میراحمدیان، نادر محمدخانی، سعید نعیم‌آبادی، مجتبی محرمی، مصطفی اردستانی.

میانی: ابراهیم قاسم‌پور، محمدحسن انصاری‌فرد، رضا احدی، جعفر مختاری‌فر، امیرقلعه‌نویی، محمدحسین ضیایی، رحیم یوسفی.

خط حمله: حسین فرکی، حمید علیدوستی، محمود پازوکی، احمد شیخ‌لاری.

■■■

درحالی که پرویز دهداری در روز هشتم اسفند ماه سال ۶۵ می‌توانست تیم‌ملی را با ترکیب بهروز سلطانی درون دروازه، مصطفی اردستانی، سیامک رحیم‌پور، محمدرضا شکورزاده و مجتبی محرمی در دفاع، ابراهیم قاسم‌پور، سیروس قایقران، مجید نامجومطلق و جعفر مختاری‌فر در خط میانی و کریم باوی و حمید علیدوستی در خط حمله به مصاف تیم کویت ببرد، اما دهداری از جمع نفرات موجود تنها سیامک رحیم‌پور، قایقران، نامجومطلق و کریم باوی را در بازی اول به خدمت گرفت. در خطوط دیگر در اولین بازی ببینید دهداری چه کرده بود: احمدرضا عابدزاده دروازه‌بان بود. انصافا عابدزاده ۲۰ساله در آن مقطع، تبدیل به یکی از سه دروازه‌بان برتر ایران شده بود؛ اما در خطوط دیگر، جواد زرینچه دفاع چپ بود. اشتباه نکنید. دهداری از وجود او نه در دفاع راست، بلکه در دفاع چپ بهره برد. زرینچه بازیکن تیم بوتان بود که در سال ۶۵، به خدمت سربازی رفته و به تیم ژاندارمری تهران رفت. او در این مقطع بازیکن دسته‌چهارم تهران بود و صمد مرفاوی دفاع راست بود. او که یک مهاجم حرفه‌ای بود، توسط دهداری در دفاع راست بازی کرد.

– نادر میراحمدیان دفاع وسط بود. میراحمدیان، در اولین بازی ملی خود بازوبند کاپیتانی به بازو بست. سیامک رحیم‌پور مدافع خوزستانی که قبل از استعفای ۱۴نفره سابقه حضور در ترکیب اصلی تیم‌ملی را داشت. سیروس قایقران هافبک وسط بود. او از سال ۶۳ در تیم‌ملی حاضر بود. مجید نامجومطلق، هافبک راست تیم‌ملی بود که یک سال قبل ملی‌پوش شدن را تجربه کرده بود. محمدعلوی؛ یک هافبک وسط آذربایجانی بود که جلوتر از سیروس قایقران در خط هافبک تیم‌ملی کار می‌کرد. محمد ژاله‌مستقیم، هافبک چپ درخشان فوتبال تهران بود که به نحوی عجیب و غریب ملی‌پوش شد.

بیژن طاهری؛ از سال ۶۱ حضور در تیم‌ملی را تجربه کرده و حالا به‌دلیل اینکه مهاجمان برتر تیم‌ملی استعفا داده بودند، ملی‌پوش شد. کریم باوی؛ او در هر حال مهاجم دوست‌داشتنی دهداری بود و دهداری چه قبل و چه بعد از استعفا در ترکیب ثابت تیم‌ملی بهره می‌برد.

■■■

به‌هرحال دهداری روز هشتم اسفند ۶۵ درحالی که می‌توانست بهروز سلطانی، مصطفی اردستانی، سیامک رحیم‌پور، محمدرضا شکورزاده، مجتبی محرمی، مجید نامجومطلق، ابراهیم قاسم‌پور، سیروس قایقران، جعفر مختاری‌فر، کریم باوی و حمید علیدوستی را در ترکیب ثابت به میدان بفرستد، از وجود عابدزاده، زرینچه، مرفاوی، میراحمدیان، محمدژاله‌مستقیم، سیدمحمدعلوی و بیژن طاهری، یعنی هفت نفر به جای نفرات موردنظر اهالی فوتبال بهره برد؛ یعنی بهروز سلطانی، شکورزاده، محرمی، اردستانی، قاسم‌پور، حمید علیدوستی و مختاری‌فر، اما یک اتفاق عجیب رخ داد؛ ایران با این ترکیب مغشوش، ۲ بر یک تیم‌ملی کویت را شکست داد.

روزی‌که لاله‌های هلندی قاره سبز را نارنجی کردند

گل به یادماندنی فان‌باستن و شوک قلبی رینوس میشل

علیرضا دهقانی: هنوز هم برای بسیاری از فوتبال‌دوستان جای سوال است که کشوری کوچک با جمعیتی حدود شش میلیون نفر چگونه یکی از فوتبال‌خیزترین نقاط دنیا به شمار می‌رود؟ لاله‌های نارنجی از دهه ۷۰ میلادی در بین کشورهای برجسته فوتبال جهان یک «ژانر ویژه» به شمار می‌روند. درخشش باشگاه‌هایی چون آژاکس و فاینورد در مسابقات جام باشگاه‌های اروپا، تعجب همگان را در پی داشت اما وقتی با وجود طلوع لاله‌ها در اروپا، آنها در دو جام‌جهانی ۷۴ و ۷۸ در یک‌قدمی فتح عنفان از رسیدن به جام ناکام ماندند هواداران فوتبال مدرن مغموم شدند. فوتبال شناور هلند که در دهه ۷۰ اروپا را فراگرفته بود با شروع دهه ۸۰ افتی وحشتناک کرد ولی دیری نپایید که نسلی جدید از استعدادهای ناب هلندی از راه رسیدند و دوباره قاره سبز را به رنگ نارنجی درآورند. در سال ۱۹۸۸ هر هوادار فوتبال که طرفدار فوتبالی زیبا و هجومی بود فوتبال هلند را مورد ستایش قرار می‌داد. در یورو ۸۸ که به میزبانی ژرمن‌ها برگزار می‌شد، سکان هدایت لاله‌های نارنجی باز هم در دستان مردی بود که هلند را ۱۴سال قبل در همین آلمان به فینال جام‌جهانی رسانده بود. رینوس میشل که در جام‌جهانی ۱۹۷۴ با فوتبال کامل معروف خود نتوانسته بود قهرمان جام‌جهانی شود، ۱۴سال بعد برای قهرمانی در قاره سبز تیمی هجومی را به آلمان آورده بود. در آن دوران باز هم تیم‌های باشگاهی هلند مانند مقطع قبلی در اوج بوده و آیندهوون قهرمان اروپا و آژاکس هم فاتح جام برندگان جام شده بود.

هلند در مرحله انتخابی یورو ۸۸ با مشکلاتی مواجه شد. در پیروزی ۸ بر صفر آنها در مقابل قبرس، هولیگان‌های هلندی با حمله به دروازه‌بان حریف باعث شدند تا یوفا بازی را با نتیجه ۳ بر صفر به نفع قبرس اعلام کند. با این حال مردان رینوس میشل در ادامه راه با نمایشی قدرتمندانه به آلمان رسیدند و در جمع هشت تیم برتر اروپا قرار گرفتند. از سوی دیگر رینوس میشل هم پیش از شروع مسابقات با مشکل قلبی روبه‌رو شده بود و طبق دستور پزشک باید از هیجان اجتناب می‌کرد.

هلند در شروع جام با مصدومیت ستاره جوان خود مارکوفان‌باستن مواجه شد و در همان گام نخست و در غیاب وی، یک بر صفر مغلوب شاگردان والری لوبانفسکی فقید شد. با غیبت فان‌باستن، در دیدار اول رینوس میشل تصمیم گرفت سیستم ۳-۳-۴ موردعلاقه‌اش را به ۲-۴-۴ تغییر داده و به جای گماردن جان بوسمان و جان فانت شی در کنار رود گولیت، مارکو را در کنار کاپیتان خود در خط‌حمله قرار دهد.

در دیدار با انگلستان اما درخشش فان‌باستن آغاز شد و با هت‌تریکی زیبا هلند را به پیروزی رساند. بعد از آن هلند موفق شد جمهوری‌ایرلند را هم مغلوب کرده تا در نیمه‌نهایی حریف آلمان شود. تقابل آلمان- هلند یادآور دیدار دو تیم در فینال جام‌جهانی ۱۹۷۴ بود. در آن فینال به یادماندنی یوهان کرایف افسانه‌ای و گروه پرقدرتش در برابر یاران قیصر زانو زدند و با شکست ۲ بر یک از رسیدن به عنوان قهرمانی بازماندند. در مسابقه نیمه‌نهایی یورو ۸۸ که در هامبورگ برگزار شد، این بار کاپیتان ژرمن‌ها در فینال جام‌جهانی ۷۴ روبه‌روی رینوس میشل به عنوان سرمربی آلمان قرار گرفته بود. مارکو فان‌باستن در حالی‌که بازی با نتیجه یک بر یک پیش می‌رفت، در آخرین لحظات بازی با گلی به‌یادماندنی که وارد دروازه «ایکه اسمیل» کرد، نتیجه فینال جام ۷۴ را به نفع هلند تکرار کرد. دیدار فینال یورو ۸۸ در واقع تکرار دیدار اول هلند بود و آنها باز هم در مقابل شوروی سابق به کاپیتانی رینارد داسایف بهترین دروازه‌بان آن دوران فوتبال جهان قرار گرفتند.

با حضور هلند در فینال یورو ۸۸، هزاران هزار هلندی که بلیت هم تهیه نکرده بودند از هلند به آلمان آمدند تا شاهد فتح جام توسط تیم کشورشان باشند. تماشاگران این دیدار شاهد یک بازی تماشایی از جانب دو تیم بودند که با گلزنی رود گولیت آغاز و با گل بی‌نظیر، استثنایی و به‌یادماندنی مارکو فان‌باستن تکمیل شد. فان‌باستن گلی را وارد دروازه رینارد داسایف کبیر کرد که به‌زعم بسیاری از علاقه‌مندان به فوتبال می‌تواند زیباترین گل تاریخ فوتبال جهان باشد تا رینوس میشل، مربی تیم‌ملی هلند که باید از هیجان دوری کرده و مراقب ناراحتی قلبی خود باشد، با ضربه «والی» فان‌باستن روی پاس آرنولد موهون دچار شوک شود!

لاله‌های نارنجی بالاخره در یورو ۸۸ توانستند مزد درخشش دو دهه‌ای خود را در قاره‌سبز گرفته و پرچم نارنجی خود را بر فراز قاره‌سبز بگسترانند.

اولیور کان، سنگربان غول‌آسای ژرمن‌ها!

تراژدی دیدار با بارسلونا، کابوس شب‌های من بود

پس از هارولد تونی شوماخر، فوتبال آلمان به رغم اینکه در اروپا و جهان به عنوان قهرمانی دست یافت اما فاقد دروازه‌بانی با کاراکتر جهانی بود. در این میان بود و ایلگنر و آندریاس کوپکه که از جام‌های جهانی ۹۰ تا ۹۸ حراست سنگر ژرمن‌ها را به عهده داشتند، نتوانسته بودند در قواره دروازه‌بانی در سطح سپ مایر یا تونی شوماخر ظاهر شوندکه بتوان آنها را در معیار یک سنگربان باکلاس جهانی دانست. پس از جام جهانی ۹۸، سنگربانی در فوتبال آلمان ظهور کرد که بالاخره توانست ژرمن‌ها را بابت داشتن یک دروازه‌بان در سطح اول فوتبال دنیا امیدوار کند. اولیور کان با آن اندام غول‌آسا نویدبخش ظهور یک سنگربان بزرگ درون دروازه تیم ملی آلمان بود. الیورکان البته از جام جهانی ۱۹۹۴ به عنوان یکی از دروازه‌بانان تیم ملی همواره به اردوها دعوت می‌شد اما در ایالات متحده نیمکت‌نشین ایگنر و بعد از آن ذخیره آندریاس کوپکه بود. تا اینکه در جام جهانی ۲۰۰۲ آلمان فرصت به کان رسید. او تا قبل از فینال تنها دو گل دریافت کرده بود و به رغم اینکه در فینال با دو اشتباه مغلوب رونالدو شد اما به اولین سنگربانی تبدیل شد که در طول رقابت‌های جام توانسته بود عنوان بهترین بازیکن جام را کسب کند. کان تا جام جهانی ۲۰۰۶ سنگربان اول آلمان بود اما در روز هفت آوریل ۲۰۰۶ یورگن کلینزمن سرمربی وقت تیم ملی آلمان اعلام کرد که برای رقابت‌های ۲۰۰۶، ینس لمان مرد شماره یک اوست. اما واکنش کان در قبال این تصمیم کلینزمن باعث شد تا همگان وی را تحسین کرده و چهره کان در آلمان محبوب‌تر و لمان منفورتر شود! کان اعلام کرد که در همه حال در خدمت تیم ملی بوده و مهم برایش این است که آلمان در این مسابقات نتیجه لازم را بگیرد. اولیور کان ۸۵ بار با پیراهن تیم ملی آلمان به میدان رفته است که در ۴۵ دیدار به پیروزی رسیده، ۲۱ بار بازی‌ها با نتیجه مساوی به پایان رسیدند و ۱۹ بار هم آلمان بازنده شده است. او در بوندس‌لیگا هم یکی از رکورددداران است. هفت قهرمانی در بوندس‌لیگا، پنج قهرمانی در جام حذفی، چهار قهرمانی در سوپرکاپ آلمان، قهرمانی جام یوفا در سال ۹۶ و قهرمانی جام باشگاه‌های اروپا در سال ۲۰۰۱ از جمله بزرگ‌ترین افتخارات باشگاهی وی محسوب می‌شود. او از سال ۹۹ تا ۲۰۰۱ سه سال متوالی به عنوان بهترین دروازه‌بان جهان هم انتخاب شد و در سال ۲۰۰۲ همراه با تیم ملی آلمان نایب قهرمان جام جهانی شد و عنوان برترین بازیکن رقابت‌ها را هم به خود اختصاص داد. از جمله تلخ‌ترین خاطرات کان می‌توان به از دست دادن جام قهرمانی باشگاهی اروپا به همراه بایرن مونیخ در دقایق پایانی دیدار با منچستر یونایتد اشاره کرد در حالی‌که تا دقیقه ۹۰ یک بر صفر از حریف خود پیش بودند با دو گل پیاپی مغلوب مردان سرالکس فرگوسن شدند. کان در این باره می‌گوید: «تراژدی بارسلونا را تا مدت‌ها نتوانستم فراموش کنم. آن دو گل تا مدت‌های زیادی کابوس شب‌های من بود!» وی اما دو سال بعد پس از این شکست تلخ توانست به لطف مهارتش در ضربات پنالتی باعث غلبه بایرن مونیخ در مقابل والنسیا شده و به نوعی ناکامی سال ۹۹ را جبران کند. کان در آن دیدار با دفع سه پنالتی، ستاره بی‌چون و چرای بایرن مونیخ بود. او یکی از بهترین سنگربانان تاریخ فوتبال آلمان به شمار می‌رود و در ارتباط با خودش می‌گوید: «حتی اگر زحمت زیادی هم نمی‌کشیدم، می‌توانستم یک دروازه‌بان خوب باشم اما همواره می‌خواستم بهترین باشم.» سپ مایر سنگربان سابق و افسانه‌ای ژرمن‌ها پس از جام جهانی ۲۰۰۲ که در آن اولیور کان با مهارت ستودنی خود باعث کسب عنوان نایب قهرمانی آلمان شد، درباره شاگرد خود این چنین گفت: «او غول‌آسا دروازه‌بانی کرد!»

تاریخچه لیگ (۸)

۱۷ شهریور و تعطیلی مسابقات لیگ

■ مسابقات لیگ ششم تخت‌جمشید بعد از صعود ایران به مسابقات فوتبال جام‌جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین آغاز شد. این مسابقات از اسفند ۵۶ تا ۵۷ برگزار شد. تیم‌های راه‌آهن و سپاهان به لیگ دسته پایین‌تر سقوط کردند و تیم‌های ابومسلم و رستاخیز به لیگ دسته اول آمدند.

–شهباز، یک مربی از هلند به نام فرانس‌فان بالکوم آورد که همایون بهزادی ستاره سابق شاهین و پرسپولیس دستیار او بود. شهباز، محمود حقیقیان، مهدی دینورزاده و عبدالرضا برزگری را به عنوان یار جدید تیم خود در اختیار گرفت.

–پاسی‌ها از لحاظ کاری، تغییرات بسیاری یافتند. آنها به جای حسن حبیبی، همایون شاهرخی، ضیاء عربشاهی و بهتاش فریبا را به عنوان یار جدید در اختیار گرفتند.

–پرسپولیسی‌ها، محراب شاهرخی را به عنوان سرمربی انتخاب کردند و علیرضا عزیزی را به عنوان بازیکن از دست دادند و او را به تیم بانک‌ملی فرستادند. محمد صادقی و محمد پنجعلی بازیکنان جدید تیم پرسپولیس، دو ملی‌پوشی بودند که از تیم‌های پاس و ابومسلم جذب این تیم شدند. پرسپولیس از لحاظ قوای انسانی نسبت به سالیان گذشته، قدرتمندتر شده بود.

استقلال، مائیس میناسیان و شاهرخ مطیعی را به جمع یاران خود اضافه کرده بود. آبی‌ها هم نسبت به سال‌های گذشته نشان می‌دادند که قوی‌تر شده‌اند.

جدول ناتمام لیگ ششم تخت جمشید

تیم	امتیاز (شیوه قدیم)	امتیاز (شیوه جدید)
شهباز	۱۸	۲۶
پرسپولیس	۱۷	۲۳
تاج	۱۷	۲۴
پاس	۱۶	۲۳
نیرو	۱۵	۱۹
ملوان	۱۳	۱۸
بانک‌ملی	۱۳	۱۵
تراکتور	۱۳	۱۵
نفت آبادان	۱۲	۱۷
برق شیراز	۱۲	۱۶
ذوب‌آهن	۱۱	۱۷
ماشین‌سازی	۱۱	۱۵
رستاخیز	۱۰	۱۵
ابومسلم	۹	۱۲
دارایی	۷	۹
هما	۶	۸

با وجود آنکه پاس، قهرمان دو دوره گذشته مسابقات جام تخت‌جمشید بسیار ضعیف‌تر شده بود، اما در هفته دوم با پیروزی ۲ بر یک برابر تیم پرسپولیس قدرتنمایی کرد، مسابقات در اواخر نیم‌فصل اول لیگ تخت‌جمشید به دلیل اوج گرفتن حوادث انقلاب تعطیل شد و در شرایطی که پرسپولیس و استقلال باید در روز ۱۷ شهریور سال ۵۷ به مصاف یکدیگر می‌رفتند، مسابقات برای همیشه تعطیل شد.

اسامی سه تیم اول شهباز

۱-ناصر حجازی
۲-ناصر وثوق
۳-نصرالله عبداللهی
۴-مهدی دینورزاده
۵-علی‌اصغر صدری
۶-جمال خلیلیان
۷-فاروق آزاده‌نام
۸-محمود حقیقیان
۹-محمد مظلوم تنگستلی
۱۰-علی حیدری
۱۱-امیر مرزوقی
۱۲-محمدرضا عادلخانی
۱۳-مجید بشکار
۱۴-حمید مجدتیموری
۱۵-ابراهیم قاسم‌پور
۱۶-عبدالرضا برزگری
۱۷-جمشید نصیری
۱۸-براتعلی‌پورآفرین

پرسپولیس

۱-وازگن صفریان
۲-حسین قراخانلو
۳-بیژن ذوالفقارنسب
۴-جواد الهوردی
۵-یعقوب فاطمی‌مقدم
۶-علی پروین
۷-حمید درخشان
۸-محمد مایلی کهن
۹-محمد پنجعلی
۱۰-حسین رحمتی
۱۱-صفر ایرانپاک
۱۲-محمود خوردبین
۱۳-رمضان جعفری
۱۴-آلن وتیل
۱۵-محمد صادقی
۱۶-اسمعیل حاج‌رحیمی‌پور
۱۷-علیرضا حیدری
۱۸-محمد زادمهر
۱۹-محمد دستجردی

تاج

۱-حجت خاکسارتهرانی
۲-حمید ملک‌احمدی
۳-اصغر حاجیلو
۴-مصطفی مسلمی
۵-آندرانیک استندریان
۶-حسن نظری
۷-جهانگیر کوثری
۸-امیرهوشنگ زرین‌کمر
۹-غلام‌ضا نعلچگر
۱۰-سعید مراغه‌چیان
۱۱-شاهرخ مطیعی
۱۲-ایرج دانایی‌فرد
۱۳-حسن روشن
۱۴-هادی نراقی
۱۵-مسعود مژدهی
۱۶-محرم عاشری
۱۷-پرویز مظلوم تنگستلی
۱۸-مائیس میناسیان
۱۹-شاهرخ بیاتی
۲۰-رضا رجبی